

گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل فیلم سینمایی «لولی» تقابلی از رابطه انسان‌های مستقل از زبان و فرهنگ

سمیه خاتونی
گفت و گو

«لولی» اولین تجربه کارگردانی سینمایی رضا فرهمند به تهیه‌کنندگی جلیل اکبری صحت است فرهمند پیش‌تر با مستندهایی چون «زنانی با گوشواره‌های باروتی»، «نت‌های مسی یک‌رؤبا» و «آزادی» توانسته بود در ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر حضور یابد. اکنون وی با فیلم بلند «لولی» در چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر حضور دارد. رضا فرهمند فیلمنامه این اثر را با همکاری امیر اطهر سهیلی نوشته و بازیگرانی چون، داریوش امینی، ژیل آل‌رشاد، محبوبه سلطانی، نرگس هزاره، حسن عابدی، محمد محمدی در فیلم ایفای نقش داشته‌اند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار روزنامه صبا با کارگردان و تهیه‌کننده این اثر که امروز در سانس اول سینمای رسانه‌ها در برج میلاد اکران می‌شود، می‌خوانید.

رضا فرهمند، کارگردان:

«لولی» یک فیلم چندزبانی و چند فرهنگی است

در ابتدا از طرح سه خطی و داستان فیلم «لولی» بگوئید؟
«لولی» روایت گروهی از افراد است که در فضایی زیر یک امامزاده گیر افتاده‌اند و هر کدام داستان مجزایی برای خود دارند. مجموع قصه این آدمها، در یک رشته مشترک روایی استقرار می‌یابد، کاراکترها هر کدام همارا تئوری درونی و مشکلات خاص به خود را دارند. فیلمنامه در ساختار از سبک مینی‌مالیستی و خرده‌روایت‌هایی استفاده کرده است، که معمایی است و گره‌گشایی هر کدام از داستان‌ها در دل داستان دیگر حل می‌شود.

در همین آغاز موضوع فیلم اینکه عده‌ای در یک فضای خاص گیر می‌افتند و قادر به خروج از آن نیستند من را به یاد فیلم سینمایی «ملک الموت» اثر لوئیس بونوئل انداخت...

به نظرم در سینما کمی تحت تاثیر بونوئل هستم. خصوصا وقتی بونوئل در برخی آثار به سینمای دینی و معناگرا نزدیک می‌شود. همچنین در بازتابی که از مخاطبان خاص تر داشتیم، این قرابت را احساس کرده بوده‌اند. اساسا اتمسفر داستان، ما را به یک فضای مجیک‌گونه (جادویی و ماورائی) می‌برد. چون موقعیت‌ها در عین حال که واقعی هستند، غیر واقعی هم می‌توانند باشند.

در فیلم «لولی» نقش زن، در پیش‌روندگی ماجرا تا چه اندازه مهم است؟

اساسا و شخصا به جایگاه زن در سینمایی ایران حساسیت دارم. وقتی بعد از تدوین فرصتی یافتیم که فیلم را مرور کنیم، حس کردم که کاراکترهای زن فیلم لولی به نوعی به خوانش استاد بیضایی از زن در آثارش نزدیک است. در این فیلم زن هم کاراکتر مکمل و هم قهرمان

است. یعنی بنا به ذائقه مخاطب که دنباله روی کدام خط روایی و شخصیت باشد، ممکن است برخی قهرمان قصه را مرد داستان قلمداد کنند و عده‌ای زن را به عنوان قهرمان دنبال کنند، حتی ممکن است کاراکتر سوم زن قهرمان باشد، یعنی داستان به قدری سیال و رونده است که جایگاهی کاراکتر پیش‌رونده در آن مشهود است.

ایده فیلمنامه چگونه شکل گرفت و پیش رفت؟

ایده اصلی فیلمنامه را داشتم و از آنجا که با امیراطهر سهیلی از گذشته همکاری داشتم، بعد از شش ماه به نسخه اولیه فیلمنامه رسیدیم و بعد از آن سه بار، اثر را بازنویسی کردم و در نهایت پس از اینکه لوکیشن اصلی فیلمنامه مشخص شد، دوباره تغییراتی جدید را اعمال کردم و براساس اتمسفر فضایی کار، بازنویسی نهایی فیلمنامه را نوشتم، من در بازنویسی آخر نگاهم دکوپاژی و همسو با اثر در فیلم بود. این مرحله نقطه قوت و طلایی کار بود که باعث یکدستی فرم و محتوای اثر شد.

«لولی» در چه دوره زمانی و مکانی رخ می‌دهد؟

فیلم معرف دوره زمانی و جغرافیایی خاصی نیست. لوکیشن فیلم ما یک امامزاده قدیمی به نام آل‌بویه در کاشان است.

با توجه به اینکه اثر شما چند زبانی است و در آن حضور اقلیت‌های مختلفی را شاهد هستیم، به لحاظ فرهنگی چه موضوعی را در جالش قرار داده‌است؟

«لولی» یک فیلم چند زبانی و چند فرهنگی است و مصداق آن این است که کاراکتر زن به زبان ترکی حرف می‌زند و کاراکتر مکمل به زبان افغانی جوابش را می‌دهد، با این مولفه قصد داشتم مرزهای زبانی را در فرهنگ‌ها و اقلیت‌های مختلف محو کنم. این نگاه حاصل تجربه من از فیلمسازی در کشورهای مختلف است و به دنبال این بودم که رابطه انسان‌ها را مستقل از زبان به تصویر بکشم.

جلیل اکبری صحت، تهیه‌کننده:

تولید در سینمای مستقل ایران، دشوار است

با توجه به سابقه شما در تهیه‌کنندگی آثار، کاملا مشخص است که شما از آن دست تهیه‌کنندگانی هستید که آثار ویژه و خاصی را برای ارائه دنبال می‌کنید، با این وصف فیلم «لولی» چه خاصیت ویژه‌ای داشت که تهیه‌کنندگی آن را پذیرفتید؟

اعتقاد این است که هر آنچه که در سید محصولات سینمایی ایران است، همه فیلم‌های خوبی هستند و هر فیلمساز در واقع بهترین اثری را که حاصل نگاه و تجربه ویژه‌اش هست را ارائه می‌دهد. من یکی از محصولات گسترده سینمای ایران را به همراه گروهی دلسوز آماده کرده‌ام و این فیلم می‌تواند به مثابه زاویه‌ای جدید در سینمایی ایران، جریان ساز باشد و به سینمای ایران کمک کند. ویژگی فیلم لولی در گروه،

تیم خلاق پدیدآورندگانش است. از تولید فیلمنامه تا اجرا، و اساسا از آن دست فیلم‌هایی است که به دنبال موضوعاتی است که از سوی رسانه‌های رسمی تعقیب و دنبال نمی‌شود. این گونه فیلمسازی هم کار سخت و هم کار آسانی است، سخت به دلیل اینکه مخاطب را مجاب کند که به این موضوعات فکر کند و کار آسانی است از آن جهت که وقتی مخاطب با اثر همراه شد، موضوع برایش جدی و حیاتی می‌شود و به آسانی با فیلم همراه و هم قدم می‌شود. به نظر من مشکل اصلی در ساخت اینگونه آثار این است که عمده مخاطب امروز سینما تک فاز شده است و عموما یاه دنباله اثر کمدی و یارگانی است، البته در اینجا منظورم از جامعه، مردم نیستند، منظورم به زنجیره و چرخه‌های است که در روند تولیدی سینما موثر هستند. مخاطب به دلیل کاتالیزه شدن برخی اکران‌ها و سینمای کمدی راهش را گم کرده است و کمبود فضا برای سینمای مستقل، سلیقه‌اش را دچار تغییر و تحریف کرده است. سینمای مستقل در این بین کم بضاعت است، نیازی که فیلمسازان مستقل به اکران دارد، در آثار ارگانی کمتر است، چرا که عموما از اسپانسرهای خوبی برخوردارند و نیازشان برای درآمد از اکران عمومی کمتر است. این مسائل سبب شده در سینمای مستقل ایران، دشوار باشد.

برای این اثر چه موفقیت‌هایی را در آینده متصور هستید، آیا به حضور در جشنواره‌های بین‌المللی فکر می‌کنید یا اکران مردمی؟

موفقیت اثر به شانس و مجموعه‌ای از تعاملات رسانه‌ای اثر بستگی دارد و مشخصا منتظر هستیم که ببینیم این اثر در مواجهه با مخاطبان جشنواره چه انعکاسی را خواهد داشت. بیشترین نیاز ما این است که مخاطب داخلی بتواند مثل سابق با سینمای مستقل ایران ارتباط خوبی برقرار کند. ما فکر می‌کنیم بزرگترین چیزی که الان مورد نیاز ما هست و در این حوزه بسیار به آن امیدواریم این است که مخاطب داخل هم بتواند مثل قدیم با فیلم و سینمای ایران در حوزه سینمای مستقل ارتباط برقرار کند.

سبک و منش کارگردانی رضا فرهمند را به چه کارگردان ایرانی و یا خارجی نزدیک می‌دانید؟

سبک و سیاق رضا شبیه به خودش است. یعنی در حوزه فیلم مستقل می‌توان گفت که رضا فرهمند فیلمسازی است که مشابهش در سینمای ایران نیست. البته کارگردان‌های دیگر نیز در حال ایجاد ساختارهای مختلف و بهینه هستند. رضا فرهمند در حوزه کاری خود جزو کارگردانهای خلاق‌ها و کسانی است که بسیار خوب کار می‌کند و مدیوم سینما را میشناسد او متناسب با فیلمنامه و داستان روایی یک طراح کارگردانی ویژه و خاص در فیلمسازی دارد. دکوپاژهای او همه متناسب با سبک فیلمسازی‌اش است، به نظر من خوانش او از سینما، معرف سبک مولف خودش است که وامدار از نگاه خودش به سینماست.

